

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه مفصل شما با نامه‌های مختصر جمیع رسید و بنظر دقت در مضامین ملاحظه گردید الحمد لله که خبرهای خوشی داشت و بشارت خوشی فی الحقیقه در سبیل الهی خدمت مینمائی و بکمال قوت بمحبت میبردازی و ندا بملکوت الهی مینمائی و سبب نورانیّت قلوب میشوی یقین بدان تأییدات ملکوت خواهد رسید و مظهر الطاف رب الجنود خواهی گشت تا توانی دمی آرام نگیر و در شمال و جنوب آن اقلیم بکوش و بوحدت عالم انسانی دعوت نما و بصلح عمومی فریاد زن که ای مردم حضرت بهاءالله پنجاه سال پیش مسئله صلح عمومی را تأسیس نمود حتی بملوک نوشت که جنگ هادم بنیان عالم انسانیت و صلح سبب حیات جاودانی و عالم انسانی را خطر عظیم در پیش و همچنین عبدالبهاء پیش از این حرب عمومی بسه سال به امریکا و اکثر اروپا سفر نمود و در جمیع محافل و مجالس و کنائس نعره زد که ای حاضران قطعاً اروپا جبهه‌خانه و مواد ملتبه شده در زیر آن اقلیم معادن ملتبه مستور است و منوط بیک شراره است که آن معادن ملتبه منفجر گردد و کره ارض متزلزل شود ای عقلا بکوشید بلکه انشاءالله این مواد ملتبه منفجر نگردد و لکن ابداً پذیرفته نشد این بود که این حرب خونریز برپا شد حال جمیع بشر دانستند که حرب چه آفتی است و بشر را حیوان خونخوار میکند و شهرها و قریه‌های معمور را مطمور مینماید و بنیان بشر را براندازد چون جمیع خلق بیدار شدند و گوش میدهند لهذا وقت ترویج صلح عمومیست صلحی که بر حق و عدل تأسیس شود تا در مستقبل بشر در خطر نماند حال صبح صلح عمومی و بدایت طلوعست امیدواریم که آفتابش بتابد و شرق و غرب را روشن نماید و تأسیس صلح عمومی جز بنفوذ کلمه الله ممکن نیست باید کوشید تا کلمه الله نفوذ یابد و صلح عمومی تأسیس شود باری تا توانی ندا بملکوت الله نما ندای بملکوت روح حیات بخشد و تا توانی ندا بعهد و میثاق کن زیرا قوه میثاق مانند شریان در جسم عالم نباض است

نفوس بسیاری را در نامه خویش ذکر نموده بودی فی الحقیقه هر یک مستحقّ نامه مخصوصی هستند علی‌الخصوص بعضی که بکمال قوت خدمت بملکوت الله مینمایند و هیچ آرزویی جز خیر عموم بشر ندارند و هیچ مقصدی جز کمال رأفت و محبت بعموم افراد عالم انسانی ندارند این نفوس اگر جسمشان ناسوتیست روحشان لاهوتی یعنی از نفعه حیات لاهوت زنده شده‌اند قلوبشان آئینه شمس حقیقت است و شمس حقیقت بتمام قوت بر آن قلوب تجلی فرموده شما هر یک از آن نفوس را از قبل من نهایت محبت و مهربانی ابلاغ دارید و بگوئید من شب و روز بملکوت عزت بکمال خضوع و خشوع تضرع و زاری مینمایم و آن نفوس را تأییدات آسمانی میطلبم

در خصوص احبای پیتربرگ مرقوم نموده بودی که سوء تفاهمی در میان احباب واقع شده سوء تفاهم ممکن نیست بهیچ قوه‌ئی زائل شود مگر بقوه میثاق قوه میثاق کلمه جامعه است و حلال مشکلات زیرا بنص صریح باثر قلم اعلی میفرماید هر سوء تفاهمی که حاصل شود مراجعت بمرکز عهد کنید او حلال مشکلات است لهذا هیچ قوه‌ئی سوء تفاهم را میان احبای زائل نمینماید مگر عهد و میثاق الهی لهذا جمیع احبای را تشویق و تحریص بر ثبوت بر عهد و میثاق نما حضرت مسیح در حق پیترس فرموده است تو سنگی و بر این سنگ بنیان کنیسه خود را بنهم این باثر خامه حضرت مسیح نیست و صریح بر توجه نیست و در کتاب حضرت مسیح نازل نشده است مجرد یک روایت حواریونست این روایت سبب شد که کل اطاعت کردند و سوء تفاهم در میان حواریین و مسیحیان نماند حال این کتاب عهد است نه روایت و باثر قلم اعلی است نه حکایت و صریح میفرماید که بعد از من توجه بمرکز عهد کنید و آنچه سوء تفاهم در کتاب واقع میشود او میبین است و آنچه او بگوید

صحیح است و حصر فرمودند و این لوح اخیر است که از اثر قلم اعلیٰ پیش از صعود ظاهر شده است جمیع الواح سابقه در ظلّ کتاب عهد است چون کتاب عهد مؤخر است و جمیع الواح سابقه مقدم و اسمش را کتاب عهد مرقوم نموده است دیگر ملاحظه کنید اگر احبّا بر عهد و میثاق ثابت بمانند آیا ممکن است میانه ایشان سوء تفاهم حاصل شود لا والله مگر نفوسی که غرض و مرض خصوصی داشته باشند و در فکر ریاست بیفتند که یک حزبی تشکیل کنند آن نفوس با وجود آنکه با قلم خود رسائل نوشته‌اند و ناقضین عهد را لعنت کرده‌اند که ناقضین هادم بنیان حضرت بهاءالله هستند و حضرت بهاءالله این عهد را بقلم اعلیٰ مرقوم نموده است هر کس ذرّه‌ئی از مرکز میثاق انحراف کند از اهل نفاق است و سزاوار غضب الهی حال همان نفوس از ارکان نقضند این از روی غرض است زیرا آن نفوس خواستند که ریاستی حاصل نمایند و ثروتی بدست آرند چون ملاحظه نمودند که در ثبوت بر میثاق هوای نفس آنها میسر نشود لهذا منحرف از میثاق شدند این نفوس یا اولّ صادق بودند حال کاذب و یا اولّ کاذب بودند حال صادق در هر صورت کذب آنها ثابت با وجود این بعضی نفوس که خبر ندارند از القای شبهات آنها متزلزل گردند شما همه را بیدار کنید و سواد این نامه را از برای مستر ریمی و مسس کوپر و مسیس گودال بفرستید و علیک بهاء الأبهی

abdul Baha abbas

۲۰ تموز ۱۹۱۹

این سند از [کتابخانه مرجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) داناود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ اوت ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر